

## عنوان مقاله:

حکمت هنر اسلامی در جامعه مدرن

## محل انتشار:

کنفرانس بین المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست؛ افق های آینده، نگاه به گذشته (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

## نویسندگان:

تورج جلیلی - دکتری تخصصی معماری و عضو هیات علمی دانشگاه ماهشهر

الیاس کعبی فلاحیه اصل - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی ماهشهر

## خلاصه مقاله:

هنر آشکارگی زیباشناسانه تجربه های خود و خودی شده هنرمند مخاطب است. تجربه ای مبتنی بر دو رکن معنایی، تجربه خودشدگی تا خودبودگی هنرمند مخاطب و زباننداری این تجربه و آشکارگی زیباشناسانه آن، به مدد یکی از انواع زبان، چونان زبان کلمه و کلام در ادبیات، نقش و رنگ در هنرهای تجسمی، فضاهای درونی و بینابینی در معماری و شهرسازی، صدا و صوت در هنرهای موسیقایی و حرکت و اطوار در هنرهای نمایشی است. حکمت هنر، اندیشه مبنای جنس بالغ تجربه هنری است. حکمت هنراسلامی، جریان اندیشه ای بنیادنگر رشد معطوف به سطوح بالغ تجربه زیستی است که خویش را همپا با جنس زندگی هنرمند مخاطب در نوع، مضمون و شکل آشکارگی آن تجربه در یکی از انواع زبان های هنر، آشکار می کند. بدین سان حکمت هنر، فهم بنیادنگر رشد منجر به زندگی است که خود را در مضمون و فرم تجربه هنری آشکار می سازد. کاوش از چیستی معرفت - شناخت حکمت هنر، راهبر به دو فصل مفهومی آن؛ یعنی چیستی اندیشه مبنای تجربه باطنی یا تجربه خودشدگی تا خود بودگی و دوم، اندیشه راهبر به جنس خاصی از زباننداری است. از این رهگذر اندیشه دین شناخت هنر به مثابه حاق بالغ این جنس از اندیشه ورزی سر برمی آورد که در نقد مقایسه ای با دیگر مشرب های حکمی هنر با شاخصه هایی چون؛ گستردگی نظام ادراکی، ژرفای این نظام ادراکی، ظرفیت گذار آن به تجربه باطنی، ظرفیت تبدیل آن به زبان هنر تا زباننداری آن و حکمت قرآن شناخت سنت شناخت هنر نیل می کند و اوج این سامانه معرفت شناخت را، در اندیشه نیایش شناخت هنر، تصویر می کند. بدین سان هنر معیار، بر بنیان تجربه معیار خودشدگی تا خودبودگی و زبان زیباشناخت معیار، شکل می گیرد.

## کلمات کلیدی:

حکمت ، هنر اسلامی ، جامعه مدرن، هنر، حکمت قرآن

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/608692>

